



فیلم‌های کودکان و نوجوانان تنها بخش نیمه‌چنان آن زنجیره‌ی شکوهمند است که ظاهراً به حیات خود ادامه می‌دهد؛ بی‌آنکه بر روند سینمای کودک و نوجوان تأثیر شایسته و ماندگاری بگذارد.

برخی معتقدند که موفقیت‌های سینمای کودک در دهه‌ی ۶۰، محصول شرایط آن زمان بوده و اکنون دیگر امکان تکرار آن موفقیت‌ها وجود ندارد. با توجه به تغییر شرایط، آیا الگوی موفق آن دوره قابل تکرار است؟

بی‌شک الگوی موفق دهه‌ی ۶۰الآن قابل اجرا نیست و تکرار همان الگوها امری غیرعقلانه است و به نتیجه‌ی مطلوبی منجر نخواهد شد. یکی از نکات مهمی که در این بحث نباید نادیده گرفته شود این است که در شرایط فعلی بدنه‌ی سینما به حق حاضر به پذیرش نقش «پدرسالارانه»‌ای که مدیریت سینما در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ داشت، نیست و بدون تردید رویکرد مدیران سینمایی باید تغییر کند و به گفتمانی «راه‌نما» تبدیل شود.

تغییر شکل و جهت بدهد. اجازه بدهید به موضوع سینمای کودک برگردیم. ناگفته پیداست که رابطه‌ی کودکان و نوجوانان امروزی با هنرهای نمایشی و سینما کاملاً متفاوت از آن دوره‌ی طلایی است. الان عصر سکوهای نمایشی، عصر غلبه‌ی فضای مجازی و

سینمای کودک به نوعی از سانسورهای رایج دور بود، چون ذاتاً فیلمی سیاسی یا غیراخلاقی تولید نمی‌کرد. بنابراین این حوزه همیشه برای مدیران فرهنگی «امن» به حساب می‌آمد؛ هیچ تهدیدی برای آن‌ها نبود، نه حرف سیاسی داشت، نه محتوای نامناسب



از فارابی، جانشینان آنها حتی موفق به حفظ میراث‌گران قدر آنها نشدند و خیلی زود زنجیره‌ی مدیریت فرهنگی سینمای ایران از هم پاشید. سینمای کودک و نوجوان هم از این از فروپاشی بی‌بهره نماند و پس از مدت کوتاهی تنها بخشی از سینمای کودک که به حیات کم‌رنگ خود ادامه داد، جشنواره‌ی فیلم‌های کودک و نوجوان بود.

خب، گفتگو به جشنواره‌ی فیلم‌های کودکان و نوجوانان رسید؛ جشنواره‌ای که ظاهراً فقط برگزار می‌شود و اثربخشی خاصی ندارد.

بله، با پایان دوره‌ی طلایی سینمای کودک و نوجوان، زنجیره‌ی مدیریت فرهنگی سینمای کودک از هم گسست و تنها جشنواره ماند که لنگ‌لنگان در اصفهان، یک دوره در کرمان، چند دوره در تهران و همدان به کار خود ادامه داد و هنوز هم در سینمای کودک و نوجوان و دروازه‌ی جشنواره‌ی بر همان پاشنه می‌چرخد. سال‌های سال است که حتی شبی از آنچه در آن دوره‌ی طلایی وجود داشت، دیده نمی‌شود؛ نه در حوزه‌ی تولید، نه نمایش، نه حضور بین‌المللی و نه حتی برگزاری جشنواره. جشنواره‌ی

و این اقدامات باعث شد دوره‌ی طلایی سینمای کودک ایران شکل بگیرد؟

بله، و البته اقدامات موثر دیگری هم صورت گرفت؛ از جمله برقراری ارتباط نزدیک با آموزش و پرورش که من به‌عنوان نماینده‌ی بنیاد فارابی در جلسات شورای مشترک بنیاد و آموزش و پرورش شرکت داشتم و از نزدیک شاهد این تعاملات بودم. جدای از نمایش فیلم‌های ویژه‌ی کودکان و نوجوانان برای دانش‌آموزان در سینماها، از جمله‌ی دستاوردهای این شورای مشترک این بود که فارابی نسخه‌های ۱۶ میلی‌متری فیلم‌های مناسب را تهیه می‌کرد و به آموزش و پرورش می‌فروخت تا آنها را در مدارس برای دانش‌آموزان نمایش دهند. یکی از این فیلم‌ها «گلنار» بود که در مقابل واگذاری حقوق نمایش دانش‌آموزی آن، مبلغ قابل توجهی به خانه‌ی ادبیات و هنر کودکان و نوجوانان که تهیه‌کننده‌ی آن بود، پرداخت شد. به تدریج سینمای کودک و نوجوان چنان رونقی گرفت که به سکوگی پُرش فیلم‌سازان تبدیل شد؛ به این معنا که بسیاری از فیلم‌سازان نوپا برای موفق شدن در سینما از دروازه‌ی سینمای کودک وارد دنیای فیلم‌سازی می‌شدند. مجید مجیدی، جعفر پناهی، پرویز شهبازی چند تن از آنان هستند.

این سال‌ها که به دوره‌ی طلایی سینمای کودک و نوجوان ایران معروف است، تا کی ادامه یافت و چگونه به پایان رسید؟

در سال ۱۳۷۲ با رفتن فخرالدین انوار از معاونت سینمایی ارشاد و سیدمحمد بهشتی

